

نماز در آئینه متون عرفانی ادب فارسی

دکتر ایوب هاشمی

سرآغاز

نوشتار حاضر، گام کوچکی است در مسیر معرفی سیمای تابناک نماز در آئینه متون عرفانی ادب فارسی که از رساله دکترای نگارنده اقتباس شده است و در حقیقت این مطالب از قریحه آسمانی، شاعران و ادیبان و ارباب ذوق و بصیرت تراوش شده؛ گویندگانی که به اندازه بضاعت خود وصالی با معشوق ازلی داشته‌اند و آن لحظه‌های صادق و پرنیاز و عارفانه و عاشقانه را برای ما رقم زده‌اند. باید این راز را در میدان معرفت و خطه ادبیات فاش کرد که شعر و نثر کهن پارسی ذکر خداست و نماز، که ذکر جمیل الهی است، بازتابی نیکو در پهنه فطرت پسند، دواوین شعرا و متون نثر ادبا داشته است؛ گنجینه‌های دربراری که بدون شک از آیات و روایات الهام گرفته است.

خلاصه و چکیده‌ای از آن مباحث در چهار بخش پیشکش می‌گردد:

الف. مناجات؛

ب. مقدمات؛

ج. ملکات؛

د. مهلکات.

منظور از مناجات، نیایش تمام موجودات هستی است که با هیاهوی تسکین‌ناپذیری به تسبیح و عبادت خداوند متعال مشغول‌اند. در حقیقت، جهان محراب وسیعی است که کائنات با شور و عشق زائد الوصف، به ثناگویی حضرت حق پرداخته‌اند. در دیوان شمس می‌خوانیم:

ذره به ذره سجده‌کنان بر لب تو چاکر و یاری‌گر تو، آه چه یاری صنما

و اوحدی مراغه‌ای گفته است:

همه تسبیح او همی گویند ریگ در دشت و سنگ بر کهسار

سعدی در گلستان حکایت جالبی نقل می‌کند که:

یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودیم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته، شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود نمره برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد گفتمش آن چه حالت بود: گفت بلبان را دیدم که دنبالش درآمده بودند از درخت، کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه، اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم بر برد و طاقت و هوش
گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح خوان و من خاموش^۱

آری، لوله‌ای و زلزله‌ای زیر پوست هستی دیده، همه حسرت شکفتن و رویدن و جوانه زدن دارند و به ضیافت زلال الهی چشم دوخته‌اند، انسان هم یکی از این موجودات است. سعدی باز می‌گوید:

توحیدگوی او نه بنی آمدند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
شیخ بهایی در «مخمس» معروف خود که به استقبال غزل جامی رفته می‌گوید:
عادل به قوانین خرد راه تو جوید دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچه نشکفته این باغ که بوید هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه

مطلع غزل جامی این است:

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه
البته اگر محرم اسرار گردیم، شنیدن غلغل اجزای عالم استبعادی ندارد، مولوی گوید:
جمله ذرات زمین و آسمان با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمعییم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما خامشیم
از جمادی عالم جانها روید غلغل اجزای عالم بشنوید
و حافظ گوید:

تا نگردی آشنا زین پرده رازی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
پرستش و بارزترین جلوه‌گاه آن نماز، امری فطری و درونی است. هیچ کس نیست که در زلال فطرت خویش میل به عبودیت نیابد و در مشاهده هستی شگفت خویش و در جهان و

دریافت میزان و ابعاد رحمت بی‌پایان الهی حالت خضوع و خشوع و سپاس در خود احساس نکند.

در تمام لحظات زندگی انسان نیازمند تکیه‌گاهی مستحکم و پیوندی عمیق با قدرتی لایزال است که در میان امواج زندگی و در تکانهای شدید، بتواند به او تکیه کند و خود را از گرداب برهاند. نماز چنین حکمی را دارد و به همین دلیل از آن در تعابیر دینی به «عماد» و «عمود» یاد شده است. مرحوم فیض کاشانی گفته است:

نزدیکی بندگان نماز است	معراج روندگان نماز است
موقوف علیه کل طاعات	سرکرده جمله عبادات
رکن شرع و ستون دین است	شاید گفتن که دین همین است

نماز نور چشم پیامبر(ص)، عمود دین و استوارترین تکیه‌گاه و یادآور همیشه «راه» و «مقصد» و «همراهان» است. نماز تنها یک تکلیف نیست؛ تکلیف خود را با «خود» و خدا و خلق خدا روشن کردن است. مولوی می‌گوید:

بهر این بوگفت احمد در عظات دائماً قرّة عینی فی الصلوة

ب. مقدمات

۱. وضو: از آنجا که بنده در حال نماز متوجه جلال الهی و بر آستان حضرت حق جل و علا قرار دارد و آن ساحتی است طیب و طاهر و منزّه از جمیع شوائب نقص، واجب است که نمازگزار پاک باشد تا لیاقت هم صحبتی با کردگار را پیدا کند، حافظ گفت:

غسل در اشک زدم، کاهل طریقت گویند	پاک شو، اول و پس دیده بر آن پاک انداز
و شیخ محمود شبستری معتقد است:	
جو ذات پاک گردد از همه شین	نمازت گردد آنکه قرّة العین
واقبال می‌گوید:	

روی دل شویم ز آب تویه باز با وضوی خون دل سازم نماز
گوش نفس خویش را مالش دهم از هوی و هستی خود وارهم
و صاحب گلشن راز، معتقد به طهارت، تمام و کامل است نه صرفاً طهارت از احداث و

انجاس:

موانع چون در این عالم چهار است
نخستین پاکی از احداث و انجاس
سیم پاکی ز اخلاق ذمیمه است
چهارم پاکی سرشت از غیر

طهارت کردن از وی هم چهار است
دوم از معصیت و ز شر و سواس
که با وی آدمی همچون بهیمه است
که اینجا منتهی می‌گرددش سیر

۲. اذان: فرارسیدن لحظه دیدار یار را با اذان اعلام می‌کنیم. اذان شعاری است مختصر و موجز، که متضمن اساسی‌ترین پایه‌های اعتقادی و جهت‌گیری عملی مسلمانان است. سید انبیاء (ص) در وقت صلوة می‌فرمود: «ارحنا یا بلال!»

جان کمال است و ندای او کمال
مصطفی گویان، ارحنا یا بلال^۲

غزالی شیوة دلدادگی سلف صالح را درباره اذان چنین وصف می‌کند:

سلف چنین بودند که چون بانگ نماز شنیدندی اگر آهنگر بودی اگر پتک در هوا داشتی
فرونگذاشتی و کفشگر اگر درفش فرو بردی بر نیوردی و از جای بجستی برای اینکه از این
منادی ندای روز قیامت، جز ندای بشارت به وی نرسد اگر دل خویش به شادی و رغبت
آکنده‌بینی منادی بدانکه در آن منادی همچنین باشی.^۳

مؤذن از همه سو می‌زند صلاهی نماز
پی اجابت حکم خدا شتاب کنید
از این فریضه نباشید روز و شب غافل
اگر که طاعت عالم بیاورید به جای
ز خون وضو بتمائید از برای نماز
که هست لحظه ذکر و دعا و جای نماز
کلید باغ بهشت است و ازه‌های نماز
قبول حق نشود بی‌گمان سوای نماز^۴

۳. نیت: نخستین رکن از ارکان نماز نیت است و معنای نیت قصد دل است و بزرگان گفته‌اند: «در نماز سه چیز اندر سه محل می‌باید تا ابتدا نماز وی به صفت شایستگی بود اندر دست اشارت و در زبان عبادت و در دل نیت، بنابراین اگر اندیشه دنیا را رها نکند و دل با نماز نباشد در همان رکن اول دروغگو باشد.

ضرورت گشت نیت کردن اول
و اما نیت بر سه قسم است اول نیت عوام که همان عزم بر اطاعت است طمعاً یا خوفاً. دوم
نیت اهل معرفت که عزم بر اطاعت است هیبتاً و تعظیماً و سوم نیت اهل جذب و محبت است که
عزم بر اطاعت است شوقاً و حباً.»^۶

نخستین نیت خالص ببايد
که بی‌نیت عمل کردن نشاید^۷

۴. تکبیر: الله اکبر بیشترین ذکر است که هم در مقدمات نماز و هم در تعقیبات آن گفته می‌شود. الله اکبر گفتن کلاه تکبیر از سرفرو نهادن است و اعتراف به اینکه خدای عزوجل بزرگتر از همه چیز و از آنچه به وصف و لغت آید یا در وهم و خیال گنجد یا ادراک او به عقول و حواس توان نمود و یا او را به چیزی قیاس توان کرد.

متحیر عقول در صفتش فکر عاجز ز حد معرفتش

عقل عقل است و جان جان است او آنچه زان برتر است آن است او^۸

می‌خواهی بدانی معنای الله اکبر یعنی چه؟ بله؛ خدایا! ما جان عزیزمان را در راهت قربانی می‌کنیم تا از خودی خودمان چیزی باقی نماند.

معنی تکبیر این است ای امیم کای خدا پیش تو قربان می‌شویم^۹

و صائب گفت:

هر دم از ماتم مرگی نتوان آه کشید چار تکبیر بر این نخل خزان دیده زدیم

در وقت تکبیر الاحرام روی از جمله اغراض و اغراض دنیاوی بگردان و هر دو دست برآور

یعنی دنیا و آخرت برانداز از نظر همت و تکبیر بر عالم حیوانی و بهیمی کن.^{۱۰}

یا رب بریز شهد عبادت به کام ما ما را از ما مگیر به وقت قیام ما

تکبیر چون کنیم مجال سوا مده در دیده بصیرت والا مقام ما^{۱۱}

حافظ فرمود:

من همان دم که وضو ساختم چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست

۵. حمد: بعد از تکبیر حمد است. حمد عبارت از آن است که انسان نعمت را بشناسد و آن را

اظهار کند و از منعم خشنود باشد. مثنوی طاق‌دیس گوید:

حمد و سوره آن سپاس است و ثنا در وقوف بارگاه کسبیریا

ای مسافر تا چه آوری بگو زین سفر سودت چه باشد مایه کو^{۱۲}

آری، در سوره حمد اسرار زیادی نهفته است. صاحب معراج سعاده می‌گوید:

چون بگویی بسم الله الرحمن الرحیم، باید قصد تیمن و تبرک بنام پروردگار خود کنی و چون

گویی الحمد لله رب العالمین یعنی جمیع انواع حمد و شکر مختص ذات پروردگار عالمیان

است باید به نظر درآوری که هر نعمتی که موجودات از سرچشمه عنایت و احسان اوست و

اگر دیگری احسانی نماید به تسخیر مشیت اوست و چون بگویی الرحمن الرحیم باید انواع

لطف و احسان به نظر درآوری و چون بگویی مالک یوم الدین یعنی پادشاه روز جزا و حساب باید متذکر هول آن روز گردی بعد از آن در مقام اخلاص درآئی و بگوئی ایاک نعبد و ایاک نستعین یعنی تو را پرستش می‌کنم و از تو یاری و استعانت می‌جویم و پس در اظهار عجز و بیچارگی خود باشی و همچنین در هر فقره از فقرات حمد و سوره که می‌خوانی باید متذکر معانی آن گردی و اشاراتی در آن‌ها هست به نظر درآوری و چون به امری و نهی رسی عزم به امتنان آن کنی و چون به وعده رسی امیدوار گردی.^{۱۳}

ج. ملکات

ملکات، آن خصلت‌های نیکویی می‌باشد که هر نمازگزار باید مُحَلِّی و آراسته به آن باشد؛ مثل اینکه باید مجذوبانه به انتظار نماز باشد و در نخستین فرصت فریضه راه به جا آورد. نماز اول وقت، اخلاص، خشوع، گریه، دعا و نماز شب به نوبه خود زیورهای زیبایی هستند که باید بدانها مزین شد.

۱. نماز اول وقت: ای عزیز! مولای ما حضرت زین العابدین و سید الساجدین امام سجاد(ع) در روایتی فرمودند:

مِنْ أَهَمِّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا.

آن که به وقت‌های نماز اهمیت ندهد، لذت دنیا را کامل نخواهد کرد.^{۱۴}

گر نماز از وقت رفتی مر ترا این جهان تاریک گشتی بی‌ضیا
 ۲. اخلاص: در حین نماز باید به آزاد کردن قلب همت بگماری و از شائبه خلطی که صفای قلب را خراب و مکدر کند، بپرهیزی. وقتی که نماز از اینها خالص شود، اخلاص پدید می‌آید؛ یعنی صاف کردن کارها از کدورات.

صدق و اخلاص است زاد رهروان
 صدق پیش آور که تا بینی عیان
 هر که مخلص گشت باشد رهرو آن
 آنچه دارند اولیاء از وی نشان^{۱۵}
 علاءالدوله سمنانی گوید:

در تضرع کوش و زاری از سر اخلاص و صدق

زانکه مردود است هر طاعت که از روی ریاست^{۱۶}

ابو سعید ابی الخیر گفته است:

تا ترک علایق و عوایق نکنی

یک سجده شایسته لایق نکنی

حقا که زدام لات و عزری نرهی
و اما از اشعار ریاستیز صائب بشنوید:
حضور خاطر اگر در نماز شرط شده است

عبادت همه روی زمین قضا دارد^{۱۸}
حضور خاطر اگر در نماز معتبر است

امید ما به نماز نکرده بیشتر است^{۱۹}
هر کس کند نماز برای قبول حق

بر پشت بام کعبه به کسب هوا رود^{۲۰}
و سعدی گوید:

عبادت با خلاص نیت نکوست
و گرنه چه آید ز بی مغز پوست^{۲۱}
۳. گریه و دعا: گریه و دعا، از مهم ترین ارزشها و والاترین عبادت هاست. مؤمن در پیشگاه
حضرت دوست دارای علایمی است و از علایم مهم او گریه و اشک چشم و دعاست.

تا نگرید ابر کی خندد چمن
تا نگرید طفل کسی جوشد لبن
تا نگرید کودک حلوا فروش
ای برادر طفل طفل چشم توست
کام خود موقوف زاری دان درست
کام تو موقوف زاری دل است
بی تضرع کامیابی مشکل است^{۲۲}

صائب معتقد است اشک ندامت صفحه سیاه کاران را سفید می کند:

ز گریه ابر سیه می شود سفید آخر
بس است اشک ندامت سیاه کاران را^{۲۳}

و در جای دگر می گوید که «اشک ریزی لشکر غفلت را به هزیمت وامی دارد»:

در دل شب صائب از دل نساله گرمی بکش

لشکر غفلت پریشان زین شبیخون می شود^{۲۴}

و اما از کلک خیال انگیز خواجه شیراز بخوانیم:

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یسمن دعای شب و ورد سحری بود

به صفای دل رندان صبحی زدگان

بس در بسته به مفتاح دعا بکشایند

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار

تا بود وردت دعا و درس قران غم مخور

دلا بسوز که سوز تو کارها بکنند

نیاز نیمه شبی دفع صد بلا بکنند

به هیچ ورد دگر نیست حاجت ای حافظ

دعای نیمه شب و ورد صبحگاهت بس

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول

ز ورد نیمه شب و درس صبحگاه رسید

حافظ وصال می طلبد از ره دعا

یارب دعای خسته دلان مستجاب کن

۴. نماز شب: خلوت شب برای عارفان و عاشقان و عابدان از بهترین ساعات ایام دهر است.

این مرکبی که بسیاری از اولیاء را به وصال معشوق رسانده است. رسول گرامی اسلام (ص)

فرمود:

اشرف امی حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ اصْحَابِ اللَّیْلِ. ۲۵

از یک خروش یارب شب زنده دارها حاجت روا شدند هزاران هزارها

یک آه سرد سوخته جانی سحر زند بر خرمن وجود جهانی شرارها

آری دعای نیمه شب دل شکسته گان باشد کلید قفل مهمات کارها ۲۶

صائب گفت:

هیچ قفلی نیست نگشاید به آه نیمه شب مانده‌ای در عقده دل این قدر حیران چرا

نظیری نیشابوری هم ناله و زاری و چشم بیدار را، جذبه خاص عنایت و کلید گنج سعادت

می داند:

جذبه خاص عنایت کی دلیل ما شود دستگیر ما ضعیفان ناله زار است و بس ۲۷

اگر دوستار حضرت دوست هستیم نباید به درازای شب معترض باشیم.

مگوی شب به عبادت چگونه روز کنم محب را ننماید شب وصال دراز

کریم عزوجل غیب دان و مطلع است گرش بلند بخوانی و گرنه بخفیه و راز ۲۸

و رند شیراز می‌گوید، اگر اهل دل باشیم لذت انس و خلوت را می‌فهمیم:

تو مرد صحبت دل نیستی چه می‌دانی که سر به جیب کشیدن چه عالمی دارد^{۲۹}
و در جای دیگر گفت:

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول زمین ورد شب و درس صبحگاه رسید^{۳۰}

د. مهلکات

۱. سستی: هر چیزی آفتی دارد و آفت عبادت سستی است. «اگر درمی‌سپه از دست یکی از ما بشود هزار افسوس و دریغ بگوئیم و تأسفها بخوریم و اگر صد بار مؤذن بر در سرای ما بانگ نماز گوید یک تأسف نخوریم.»^{۳۱}

اگر صد کار باشد از مجازات
نمازت چون چنین باشد مجازی
نیاید یاد از آن جز در نمازت
بود اندر حقیقت نا نمازی^{۳۲}
عماد فقیه گوید:

نماز از روی معنی آن گذارد
که دل با عرش و رخ در قبله دارد^{۳۳}
«نشان نمازگزار واقعی، نه غافل و ساهل آن است که اگر رکعتین از او فوت شود، از فوت ملک دنیا که جمله آن او باشد فوت دو رکعتش دشوارتر آید.»^{۳۴}

تحصیل کمال و زاد آخرت طلب و جدّیت می‌خواهد و هر چه مطلوب بزرگتر باشد، جدّیت راه در آن سزاوار است. معراج قرب الهی و مقام تقرب، با این حال و سستی و سهل‌انگاری به دست نمی‌آید. نباید از کوشش مضایقه کرد. باید تحمل سختی‌ها کرد گرچه سختی در کار نیست. اگر مواظبت کنیم و انس قلبی یابیم از مناجات با حق لذتها می‌بریم.

۲. ویا: دیگر از مهلکات ریاست که در آئینه ادب فارسی بازتابی عجیب و شگفت‌انگیز دارد. صحنه فطرت‌پسند ادبیات باعث شده که این ضایعه انسانی به احسن وجه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

نفاق زرق نبخشد صفای دل حافظ
طریق رندی و عشق اختیار خواهم کرد^{۳۵}
و در جای دیگر فرمود:

غلام همت آن نازنینم
که کار خیر بی‌روی و ریا کرد^{۳۶}

امیری فیروزکوهی شرمنده دعای خویش است:

دلی خالی از یقین و دهانم پر از دعاست
شرمنده‌ام ز روی قبول از دعای خویش^{۳۷}

ناصر خسرو از تلون بعضیها به شگفت آمده است:

در مجلس خوش طبعی و ملالی
در حجت و آیات گنگ و لالی^{۳۸}

در مسجد دل‌تنگی و ملولی
در فحش و خرافات عندلیبی

سعدی گوید:

بندگی هیچ نکردیم و طمع می‌داریم که خداوندی از آن سیرت و اخلاق آید^{۳۹}

پی‌نوشتها:

۱. کلیات سعدی، باب دوم گلستان در اخلاق درویشان، ص ۱۲۰.
۲. مثنوی مولوی، دفتر اول، بیت ۱۹۸۶.
۳. کیمیای سعادت، امام محمد غزالی، ص ۱۴۲.
۴. دیوان کهر اصفهانی، ص ۲۲۳.
۵. شیخ محمود شبستری، گلشن راز، ص ۴۱.
۶. کشف الاسرار، میبیدی، ج ۴، ص ۱۰۰.
۷. دیوان عماد فقیه، ص ۲۸۰.
۸. دیوان ملاحسن فیض کاشانی، ص ۸۰.
۹. مثنوی مولوی، دفتر سوم.
۱۰. مرصاد العباد، نجم رازی، ص ۱۶۸.
۱۱. دیوان فیض کاشانی، ص ۳۳.
۱۲. مثنوی طاق‌دیس، ملا احمد نراقی، ص ۳۷۵.
۱۳. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، ص ۶۷۹.
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.
۱۵. شرح گلشن راز، لاهیجی، ص ۶۹۱.
۱۶. دیوان علامه الدوله سمنانی، ص ۲۵.
۱۷. دیوان ابوسعید ابی‌الخیر، ص ۹۰.
۱۸. دیوان صائب تبریزی، ص ۱۹۹.
۱۹. کلیات صائب، ص ۸۰.
۲۰. دیوان صائب تبریزی، ص ۲۳۲.
۲۱. کلیات سعدی، ص ۳۴۱.
۲۲. مثنوی مولوی، دفتر اول.
۲۳. دیوان صائب، ص ۶۱، عزل ۹۵.
۲۴. دیوان صائب تبریزی، ص ۸۸۰.
۲۵. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۲۸.
۲۶. دیوان وحدت کرمانشاهی، ص ۱۰۱.
۲۷. دیوان نظری نیشابوری، ص ۲۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۸. کلیات سعدی، ص ۵۸۴.

۲۹. دیوان حافظ.

۳۰. همان.

۳۱. سراج السائین، احمد جام، ص ۷۳.

۳۲. عطار نیشابوری، اسرارنامه، ص ۱۷۹.

۳۳. دیوان عماد فقیه، ص ۳۹۶.

۳۴. مولوی، فیہ ما فیہ، ص ۱۹.

۳۵. دیوان حافظ، ص ۷۶، غزل ۱۳۵.

۳۶. همان، ص ۱۰۷، غزل ۱۸۷.

۳۷. دیوان امیری فیروزکوهی، ص ۳۴۵.

۳۸. همان، ص ۴۶۶.

۳۹. کلیات سعدی، ص ۵۹۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی